

انترناسیونال هفتگی

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-870 120 7768



۳۱ خرداد ۱۳۸۱

۲۱ ژوئن ۲۰۰۲

جمعه ها منتشر میشود

www.haftegi.com

اخباری از مبارزه و اعتراض کارگری

صفحه ۴

یک دنیای بهتر

برنامه

حزب کمونیست کارگری

را بخوانید

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465

Fax: 0044-870-135-1338

markazi@ukonline.co.uk

رادیو انترناسیونال

۳۱ متر - ۹۹۴۰ کیلو هرتز

۹ تا ۹:۴۵ شب بوقت تهران

به دیگران اطلاع دهید

radio7520@yahoo.com

تلفن 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

0044 208 962 2707

زنان زحمتکش علیه فقر!

آیا ما جزئی از شهروندان این کشور
محسوب میشویم یا نه؟

قربانی گرفتار از شهروندان غیرنظامی اسرائیل را شدیداً محکوم میکنیم

صفحه ۳

یک زندگی انسانی است. حزب همچنین کارگران را به دفاع از این مبارزات فرامیخواند. اعتراض زنان شهرک قدس ادامه اعتراض مردم شاتره است. ادامه اعتراض مردم آبادان است. ادامه اعتراض کارگران، معلمان، جوانان، و زنان است. حلقه‌ای از حرکت عظیم مردم زحمتکش و عاصی‌ای است که خواب را بر مرتجعین اسلامی حرام کرده است. همه این جنبشها در یک خواست مشترکند: جمهوری اسلامی را نمیخواهند. این اولین شرط رهائی مردم از فقر و نابرابری، از سرکوب و بیحقوقی و پیش شرط یک جامعه انسانی و سوسیالیستی است.

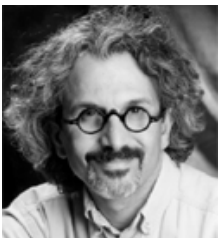
از امکانات اولیه زیستی زندگی میکنند. اعتراض این شهرک نشینان حلقه‌ای از اعتراضات مردم به ستوه آمده‌ای است که هر روز جامعه شاهد آن است. عکس العمل رژیم اسلامی هم بیانگر اقدامات رژیم ضد مردمی و سرکوبگر است که در هر بروز اعتراض مردم نیروهای اوباش و سرکوش را برای فرونشاندن خواسته‌های عادلانه مردم روانه میکند. حزب کمونیست کارگری با تمام قوا از خواسته‌های عادلانه مردم شهرک نشین دفاع میکند. برخورداری و دسترسی به آب، برق، فاضلاب، جاده مناسب، مسکن، و بهداشت جزئی از شرایط اولیه

دریافت میکنند؟ چرا خانه هایمان را تخریب میکنند؟ ... جواب ما را بدهید؟ آیا ما جزئی از شهروندان این کشور محسوب میشویم یا نه؟ این نماینده زنان همچنین در اعتراض به عکس العمل سرکوبگرانه رژیم اسلامی گفت: "هنوز شهردار را ملاقات نکرده‌ایم! فقط ماموران حراست شهرداری هستند که توانستیم آنها را ملاقات کنیم. آنها هم دائماً به ما میگویند شما اخلاک‌گرا هستید". خواست مردم شهرک قدس گوشه‌ای از خواسته‌های رفاهی میلیونها زحمتکشی است که در حاشیه شهرها، در شهرکها، در فقر و محرومیت و عدم برخورداری

روز سه شنبه ۲۸ خرداد زنان شهرک قدس در اعتراض به عدم وجود امکانات اولیه رفاهی و بهداشتی، آب آشامیدنی، برق، جاده آسفالت، فاضلاب و ... به خیابانها آمدند. این زنان در مقابل شهرداری مشهد شعار دادند و به رژیم اسلامی اعتراض کردند. بیش از دو سال است که بخشداری، شهرداری و استانداری منطقه از پاسخ به خواسته‌های عادلانه این مردم زحمتکش سر باز زده است. نماینده این زنان زحمتکش گفت: "بما میگویند خارج از محدوده هستید. اگر خارج از محدوده هستیم پس چرا از ما عوارض و مالیات

نقش جنبش سرنگونی در روند اوضاع سیاسی ایران (۲) صفحه ۴

علی جوادی



صفحه ۳

نیاز سلطنت به دستگاه مذهب!

دریافت میکرد. مدرس میگفت "حمله به پادشاهی حمله به شریعت مقدس است." و شاهان نیز مخالفین خود و دین را بعنوان "مرتد" و "کافر" و "ملحد" از میان بر میداشتند. این رابطه محدود و مختص به شاهان ایران و اسلام و یا عهد عتیق نبوده است. ناپلئون

دستگاه سلطنت و دستگاه مذهب دو روی سکه ارتجاع در تاریخ ایران بوده‌اند. سلطنت حافظ دین بود و دین نگهبان سلطنت. شاه سایه خدا بود و سلطنت ودیعی الهی که به شخص شاه تفویض شده است! شاه مشروعیتش را از "نمایندگان خدا بر روی زمین"

مهیگفت "هدف اساسی مذهب جلوگیری از کشتار اغنیا به دست تهیدستان و فقر است." یکی از شاهکارهای فوق العاده محمدرضا شاه ایجاد "سپاه دین" بود! آخوند در قانون اساسی رژیم سلطنتی حق وتو داشت و قوانین جامعه باید از تصویب آنها میگذشت. و در عوض

تعظیم به جناح راست برای ورود به "سر سفره امام!" صفحه ۲

مصطفی صابر



صفحه ۲

جمهوری اسلامی و اتحادیه اروپا

اسلامی ندارد. از این خبرها نیست. اتحادیه اروپا برای نزدیکی با جمهوری اسلامی با معضلات تعیین کننده نظیر اختلاف با آمریکا و خود رژیم اسلامی رویروست. اختلاف نظر اروپا و آمریکا در برخورد به جمهوری اسلامی، ریشه های جدی دارد. اروپا در پی گسترش روابط اقتصادی با ایران است و میکوشد تا مکان اقتصادی

تصمیم اجلاس وزرای خارجه اتحادیه اروپا در این هفته مبنی بر آغاز مذاکرات تجاری (و در عین حال سیاسی) با ایران، با موج خوشحالی در بین دولت خاتمی و اصلاح طلبان حکومتی رویرو شد. برخی روزنامه ها چنان تیتیر زدند که گویی اتحادیه اروپا قدمی بیش تا امضای قرارداد تجاری با جمهوری

مهمتری در قبال کشوری که سنتا و تا قبل از جمهوری اسلامی حیطه نفوذ آمریکا بوده است، اشغال کند. (در همین رابطه بین خود کشورهای اروپایی هم رقابت هایی وجود دارد.) اما آمریکا به آسانی از این منطقه نفوذ سنتی خود (با ۷۰ میلیون جمعیت، منابع سرشار نفت و موقعیت استراتژیک فوق العاده مهم) دست

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حسین مرادیگی



گرفتن خود توسط جناح محافظه کار را جدی گرفته اند. هروقت تاریخ مصرفشان نیز تمام شود، مجدداً آنان را دور میریزند. مردم سرنگونی طلب اما منتهاست با عوام فربیی این جماعت و جناحهای جمهوری اسلامی آشنا شده اند. میدانند مشکل اینها همواره بیرون میروند مانند از دایره "خودیهای" درون حاکمیت جمهوری اسلامی بوده است. اینها اعتراضی به کشتار کمونیستها، کارگران و دیگر آزادیخواهان مخالف جمهوری اسلامی نداشته اند، اعتراضی به سنگسار و بساط شلاق و اعدام جمهوری اسلامی نداشته اند، تمام خرده گیریهای اینها به جمهوری اسلامی از روزی که توسط جناح راست از حاکمیت به بیرون رانده شدند، این بوده است که چرا سر سفره "امام" راهشان نمیدهند. نهضت آزادی یکی از نیروهای جنبش ملی - مذهبی است که در تحمیل خمینی و حرکت اسلامی بعنوان

صفحه ۳

تعظیم به جناح راست برای ورود به "سر سفره امام"!

اثبات "حسن نیت" خود نزد جناح محافظه کار میگوید اگر جمهوری اسلامی نهضت آزادی را خفه هم بکند، نهضت آزادی از تلاش برای خدمتگاری در راه جمهوری اسلامی دست بر نخواهد داشت. جناح راست هم بنویه خود اگر به صرافت به بازی گرفتن یزدی و نهضت آزادی افتاده است، باز به این خاطر است که بقول خودشان زنگ خطر بود و نبود جمهوری اسلامی بصد در آمده است. یزدی و نهضت آزادی را این بار جلو انداخته اند که صف پائین تجزیه شده خود خرداد را از تیغ انتقام جناح محافظه کار ترسانده و با بازارگرایی ملی - اسلامی به سود جمهوری اسلامی مردم را چند صباحی دیگر سرگرم نگهدارند. نهضت آزادی یکی از نیروهای جنبش ملی - اسلامی است که چنانچه رژیم هروقت خواسته اند آن را به بازی گرفته اند. اینها جزو کتک خورهای جمهوری اسلامی و موضوع دعوای میان جناحهای آن بوده اند. جناح راست تا دیروز آنان را "برانداز" خطاب میکرد و با تهدید و بزور شکنجه از آنان اعتراف میگرفت، اکنون نیز آنها را به بازی گرفته و اعلام رای نهائی دادگاه جمهوری اسلامی را هم در مورد آنان به تعویق انداخته است تا ببیند سران نهضت آزادی چقدر به بازی

مذهبی بعد از شکست پروژه دوم خرداد از یکسو و شرایط رو به فروپاشی جمهوری اسلامی از سوی دیگر است. این را نه تنها یزدی که همه سران و ایادی جمهوری اسلامی نیز دارند به آن اعتراف میکنند. یزدی میگوید شرایطی که با آن روبرو هستند یک انسداد سیاسی است، میگوید حذف رقیب معادل حذف خود کننده نیز هست. میگوید جوانها دین گریز و دین ستیز شده اند. میگوید سیلی می آید همه جناحها و مدافعین جمهوری را با خود می برد. میگوید همه جناحهای جمهوری اسلامی در یک کشتی نشسته اند و اگر این کشتی غرق شود، همه با هم غرق میشوند. به نظر ابراهیم یزدی تنها راه نجات دین و جمهوری اسلامی از این وضعیت قبول طرح "فاق ملی" (کنار نهادن اختلافات جناحی و یکی شدن همه جناحها)، برای نجات جمهوری اسلامی در مقابل صف میلیونی سرنگونی طلب جامعه است. یزدی فکر میکند از این شرایط میتواند بعنوان فرصتی برای باز یافتن اعتماد از دست رفته نهضت آزادی پیش از "ولایت فقیه" استفاده کند و در عین حال "افتخار" یکی شدن همه جناحهای جمهوری اسلامی را علیه صف سرنگونی طلب جامعه نیز نصیب خود کند. وی برای

عین حال اوج افلاس نهضت آزادی در شرایط فعلی اعتراف کرده است. اما چرا یزدی و سران نهضت آزادی به صرافت پادوئی جناح محافظه کار افتاده اند؟ بدنبال شکست پروژه دوم خرداد که نهضت آزادی بهای زیادی را در حمایت از آن پرداخت، اکنون به این نتیجه رسیده اند که در پادوئی برای دوم خرداد بیهوده تلفات داده اند. این بار تلاش میکنند از فرصت بدست آمده ناشی از شکست دوم خرداد برای نزدیکی به جناح محافظه کار استفاده کنند، شاید در همسویی با جناح خامنه ای بتوانند اعتماد از دست رفته را بازیابند و مجدداً جزو "خودیهای" درون حاکمیت جمهوری اسلامی به حساب آورده شوند. در این راستا سحابی بعد از آزادی از زندان در یک سخنرانی در اصفهان گفت: اگر بتوانیم انتظار از سرعت اصلاحات را پائین بیاوریم هنر بزرگی کرده ایم. یزدی هم بعد از دیدار با کربویی گفت محافظه کاران جریان مفیدی هستند، باید او و امثال او قدر آنان را در "حفظ نظام" بدانند.

شرایطی که یزدی و نهضت آزادی را برای حفظ نظام بدنبال جناح محافظه کار دوانده است و جناح محافظه کار را نیز به صرافت به بازی گرفتن آنان واداشته است، شرایط استیصال و سردرگمی طیف ملی -

هفته گذشته ابراهیم یزدی، رهبر نهضت آزادی، برای بحث حول و حوش "فاق ملی" به دیدار کربویی رئیس مجلس جمهوری اسلامی رفت. یزدی البته چند ساعت قبل از دیدار با کربویی در یک جلسه تحقیق و بازجویی توسط جمهوری اسلامی نیز شرکت کرده بود. اما ایشان خود را اقتدر مخلص میدانند که این نوع مسائل خللی در خدمتگذاری ایشان به جمهوری اسلامی وارد نمیکند.

بیانات یزدی بعد از دیدار با کربویی نشان میدهد که او و سران نهضت آزادی، بعد از مدتها سرگردانی در میان دو جناح، توصیه محیبان را جدی گرفته اند و دارند از فرصت فراهم شده برای بازگرداندن اعتماد از دست رفته خود در میان جناح محافظه کار استفاده میکنند. بقول محیبان دیگر نمیخواهند "در بیرون زمین به تشویق بازیگران بپردازند". میخواهند با پذیرش شروط جناح راست، خود نیز وارد گود شوند. یزدی برای نشان دادن عمق چاکر منشی خود در بارگاه جمهوری اسلامی بعد از دیدار با کربویی گفت که قانونی بودن یا نبودن آنها تغییری در خلوص نیت آنها نسبت به جمهوری اسلامی ایجاد نخواهد کرد. این حرف یزدی البته جدید نیست، فقط به عمق ارتجاع و در

از صفحه ۱

جمهوری اسلامی و اتحادیه اروپا

بر نمی دارد. بعلاوه، ایران جایگاه سیاسی مهمی در سیاست خارجی آمریکا دارد. جمهوری اسلامی یکی از شیطانهای ساخته و پرداخته غرب در دوره جنگ سرد بود (مثل طالبان)، که حالا به زانو درآوردن آن یکی از فاکتورهای دوره نظم نوین جهانی" و نشان دادن قدر قدرتی آمریکا در سطح جهانی است. "محور شر" مشهور بوش موضوعی صرفاً در ادامه خطی مناسبات آمریکا با جمهوری اسلامی و یا حتی تنها در چهارچوب رقابتهای آمریکا و اروپا نیست. یک محور سیاست جهانی آمریکا در مقابل تمام رقبای (اروپا، روسیه و چین) است. جمهوری اسلامی نظیر آن کانگسترهای خبیث و جنایتکار فیلم است که "مال" خود کارآگاه فداکار داستان (یعنی آمریکا) است، که باید خود او شخصاً چک و چانه اش را خرد کند و دستبند به آن بزند تا فیلم "هپی اندینگ" (پایان خوش) داشته باشد. لذا در چهارچوب معادلات

فعلی بنظر میرسد که عادی شدن روابط غرب و کلا "جامعه بین المللی" با جمهوری اسلامی فقط میتواند از مجرای عادی شدن رابطه ایران و آمریکا و به بیان دیگر پیروزی آمریکا بگذرد. از همین روست که توافق اخیر وزرای امور خارجه کشورهای اتحاد اروپا برای مذاکره بمنظور گسترش روابط تجاری با ایران، بطور دوقانگو، منوط به پیشبرد مذاکره موازی در مورد مسائلی نظیر "همکاری در زمینه مبارزه با تروریسم"، عدم سنگ اندازی در راه "صلح اسرائیل و فلسطین"، رعایت "حقوق بشر"، متوقف کردن تلاش برای دستیابی به "سلاح های کشتار جمعی" از سوی ایران، و خلاصه آن شروطنی شده است که سیاست اعلام شده آمریکا (و غرب) است. نکات فوق حکایت از آن دارد که پیشرفت مذاکرات بین اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی امر ساده و زود فرجامی نیست و میتواند هر آن تحت تاثیر معادلات پایه ای بین المللی و فشارهای آمریکا متوقف شود و یا سرانجام بهیچ جا نرسد. معضل جدی تر برقراری رابطه وسیع اتحادیه اروپا با رژیم ایران، خود جمهوری اسلامی و سرانجام آن است. جمهوری اسلامی به دلالت پایه

ای نمی تواند طرف حساب قابل اتکایی برای بورژوازی جهانی باشد. حتی نگاهی به موقعیت سیاسی جمهوری اسلامی نیز این را نشان میدهد. درون حکومت اسلامی یک بلشوی تمام عیار است. جمهوری اسلامی در منگنه نفرت عظیم و اعتراضات مردم ایران دچار تفرقه و تشتت در اتخاذ سیاست یکدست چه در زمینه داخلی و چه خارجی است. مقامات اتحادیه اروپا خود بصراحت گفته اند، تصمیم روز دوشنبه مبنی بر آغاز مذاکرات با ایران، بمنظور "تقویت جناح رفرمیست" در قبال جناح دیگر خود در مقابل مردمی که وسیعاً معترض اند و از لحاظ سیاسی بسیار فعال اند، ناگزیر است تلفیقی از "دو بال نظام" باشد. یکی باید به نام الله بکشد، نعره های اسلامی "مرگ بر آمریکا و اسرائیل" سر بدهد، از حماس و حزب الله و غیره دفاع کند، بساط اعدام و سنگسار و حمله به زنان و صفوف تظاهرات کارگران راه بیندازد و آن دیگری باید با اتکا، بهمین سیاست ها و اختناق و سرکوب ناشی از آن، در عین حال تسبیح "دگراندیش" و

بالاخره، با توجه به اینکه غرب و آمریکا همچنان سیاست پراگماتیستی مبنی بر اعمال فشار به منظور "تعدیل" و تحول جمهوری اسلامی را دنبال میکنند، اروپا میکوشد ابتکار عمل را در این زمینه بدست داشته باشد. تا آنجا که به ایران بر میگردد، شمره این تلاشها فقط میتواند چند صباحی بر عمر جهنمی که مردم را میسوزاند، بیفزاید. جمهوری اسلامی از همان ابتدا برای مقابله با انقلاب مردم و قدرت گیری چپ و سوسیالیسم در ایران خلق شد و هنوز هم علیرغم همه "یاعی" گری اش، با همه شلاق و مهمیزی که از غرب و آمریکا دریافت میکند، کماکان از همان توره میخورد. رهایی قطعی از شر جمهوری اسلامی نیاز و کار مبارزه مردم به جان آمده از وضع موجود است. مردم ایران و در پیشاپیش آنها کارگران میتوانند و باید با سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری یک جمهوری سوسیالیستی، نه فقط به جهنم اسلامی پایان دهند و زندگی انسانی را برای خود آغاز کنند، بلکه همچنین یک عامل تاثیر گذار بر معادلات سیاسی جهان به نفع همه بشریت باشند. ■

از صفحه ۱

نیاز سلطنت به دستگاه مذهب؟

"حضرت عباس" بارها بنا به گفته خود ایشان سلطنت و خودشان را از خطر مرگ نجات داده بودند! هم اکنون هم در قرن بیست و یکم یکی از وظایف شغلی ملکه سلطنت مشروطه انگلستان حفاظت و نگهداری از دستگاه کثیف کلیساست. آقای رضا پهلوی هم که آرزوی دستیابی به تاج و تخت و کاخ سلطنت را دارند این پیوستگی تاریخی سلطنت و آخوند و دستگاه مذهب را به روشنی بیان میکنند. ایشان میگویند: "از بدو پیدایش اسلام، روحانیون ما بمشابه قطب نما عمل کرده‌اند و آنها در میان اقشار مختلف جامعه مورد احترام بوده‌اند." (کتاب "بادهای تغییر") البته نگفته‌اند در مدح آخوندها حتی خود آخوندها هم دیگر چنین مطالبی را به روی کاغذ نمی‌آورند. از نفرت و انزجار مردم از این نیروی انگلی و جنایتکار آگاهند.

هر چند که مناسبات و روابط متقابل این دو دستگاه، سلطنت و مذهب، در طول تاریخ و در تلاطمات سیاسی دستخوش تغییر و تحولات معین و تعیین کننده‌ای شده است اما سلطنت هرگز از قدرت تحمیلی و تخریب دستگاه مذهب دست‌نرفته است. برعکس، میکوشند تا دستگاه مذهب را از ضربات مردمی خواهان آزادی مصون بدارند. آقای رضا پهلوی گاه و بیگاه به "مردان" این دستگاه اطمینان خاطر میدهد که جایگاهشان در کنار تاج و تخت فرضی ایشان محفوظ است. منافعشان از تعرض مردم مصون خواهد بود. به این نیروها وعده میدهد که دستگاهشان پس از فروپاشی جمهوری اسلامی همچنان پا برجا خواهد بود. میگویند: گذار مسالمت آمیز، آخوندها را از مراکز دولت به مکان محترمشان در مساجد باز خواهد گرداند، نه بصورتی تحقیر آمیز، بلکه با درک منافع خودشان و اسلام. "همانجا، تاکید از من است) و تاکید میکند که در کنار تخت پادشاهی ایشان نه تنها آخوندها و دستگاه مذهب کماکان قادر خواهند بود در امور دولت و جامعه دخالت کنند بلکه وعده میدهد جلوی دخالت دولت در محدود کردن دستگاه طاعونی مذهب را بگیرند. کلمات تاریخی ایشان از این قرار است: "جدایی دین از دولت مانع دخالت آخوندها در دولت نبوده بلکه مانع دخالت دولت در

دین است." (همانجا) اما این تمام قضیه نیست. در مورد جایگاه زن در اسلام، آقای رضا پهلوی از اکنون به دستگاه مذهب وعده میدهد که میتوانند در تعیین "زبان" قوانین مربوط به طلاق و وراثت بر مبنای "شریعت" دخالت داشته باشند؟! البته این گوشه‌ای از "سکولاریسم" ادعایی ایشان است، و این ویژگی اپوزیسیون سلطنتی است. آقای داریوش همایون تئوریسمین این صف که تجربه قائم مقامی" حزب رستاخیز و نزدیکی با بسیاری از "افسران شریف و وطن پرست" ساواک را دارند به همان اندازه گویا و صریح است! میگوید: "دین و دولت همزاد یکدیگر بوده‌اند. پادشاهان دین را نگه میداشتند و دین به پادشاهان کمک میکرد که مردم را در "وضع موجود" نگهدارند. اضافه میکند: "دین... میتواند یک عامل ثبات جامعه باشد... دین میتواند خدمتیهایی به ایران بکند چنانکه در گذشته‌های تاریخی نیز کرده است.؟! اما چرا این اپوزیسیون این چنین در دستگاه مذهب "دوب" شده است؟

واقعیت این است که این اپوزیسیون قدرت جهل و تحمیلی مذهبی و بی توقع کردن مردم در خدمت به سلطنت و نظام مطلوب این جریان را میشناسد. میدانند که سلطنت برای اعاده و بقاء به انواع آخوند و مذهب نیاز دارد. آگاهند که وجود دستگاه مذهب در کنار کاخ سلطنت همان نقشی را در به بند کشیدن و اسارت مردم و جامعه ایفا میکند که توپ و تانک و ارتش. مذهب همانند سرنیزه ارتش و پاسدار ابزاری کشنده برای خفه کردن هر نوع توقع و اعتراض انسانی و آزادیخواهانه است. حیوانی وحشی است که در خدمت سلطنت "خدمات" زیادی کرده است و میتواند باز هم در این شغل انجام وظیفه کند. اپوزیسیون سلطنتی میدانند که سلطنت (حتی اگر خودشان در خلوت خود هم به مزخرفات آخوند و اسلام اعتقادی نداشته باشند و حاضر نباشند فرزندان‌شان زیر دست و پای این جانوران معیوب و ناقص شوند) به نیروی حماقت آفرین مذهب بمشابه بخشی از ارتش جهل و عقب ماندگی برای اعاده سلطنت محتاج اند. اپوزیسیون سلطنتی ناچار است با آخوند سازش کند. البته آخوند "خوب" و از نوع سلطنتی‌اش. این اپوزیسیون از اکنون وعده میدهد که مردم را به زیر دست و پای مذهب خواهد فرستاد. تا له شوند و بی توقع شوند. بی دلیل نیست

که در دستگاه فکری این جنبش کلا آخوند شخصیتی والا و محترم است و "خداوند" نگهدار ایران و سلطنت. اما یکی از شاخصهای آزادی و رهایی مردم نه تنها جدایی دین از دولت و آموزش و پرورش بلکه قطع نفوذ و سلطه دستگاه و صنعت مذهب از زندگی و حیات جامعه است. سعادت و خوشبختی نسلهایی از مردم به این مبارزه حیاتی گره خورده است. مذهب حتی بمشابه امر خصوصی افراد (که حق انکار ناپذیر هر فردی است) سدی بر شکوفایی و خلاصی از چنگال خرافات و تعصبات جاهلانه و ارتجاعی است. دستگاه مذهب در واقع دستگاه سازمانیافته تحمیلی مردم، دستگاه کودک آزاری، دستگاه زن ستیزی، دستگاه تولید جهل و خرافه و افترا و تحریک و ارعاب و ذمیت و آزار است. به این اعتبار جامعه را باید از دست اندازی مادی و معنوی دستگاه مذهب مصون داشت. باید این هیولا را به بند کشید. باید جامعه را در مقابل مذهب و تاثیرات مخرب و نابود کننده‌اش حفظ کرد. و این گوشه‌ای از تلاش ما کمونیستها، ما آزادیخواهان، برای آزادی است.

واقعیت این است که امروز مردم و علی‌الخصوص نسل جوان جامعه دارند پرونده اسلام و اسلام سیاسی و تفکرات و روابط ناشی از آن را از زندگی خود دفع میکنند. اسلام نه تنها در آموزش و پرورش، نه تنها در پیگیره قوانین جامعه، نه تنها در منظره شهرها، نه تنها در روابط انسانها، بلکه از سیمای سیاسی و اجتماعی مردم، از خود آگاهی و ذهنیت مردم، از عواطف و علقه‌های مردم در حال از بین رفتن است. اسلام و دستگاه مذهب در تمامی جوانب در حال زوال و فروپاشی است. ایران امروز در حال تجربه یک موج عظیم ضد اسلامی است. این موج نه تنها سیمای ایران بلکه سیمای خاورمیانه را دگرگون خواهد کرد. حکومت آتی ایران فقط میتواند یک حکومت سکولار و غیر مذهبی باشد. اما دستگاه مذهب را باید همانند سازمان تولید و توزیع مواد مخدر، همانند دستگاه مافیای کودک آزاری و زن ستیزی، همانند دستگاه ضدیت با شادی و خوشی، همانند دستگاه سازمانده فحشا، شرایط زوال و نابودیش را فراهم کرد. این مبارزه‌ای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. نابودی دستگاه مذهب شرط خوشبختی و سعادت مردم است. تحقق این تحول بزرگ و انسانی را ما تضمین خواهیم کرد. اما اپوزیسیون سلطنت طلب در این چهارچوب رو در روی مردم است و وعده اعاده گذشته را به ما میدهد! ■

قربانی گرفتن از شهروندان غیرنظامی اسرائیل را شدیدا محکوم میکنیم

در روزهای اخیر بار دیگر تروریسم اسلامی جان دهها شهروند غیرنظامی اسرائیل را در محیط عادی کار و زیست شان گرفت و به شمار بازمم بیشتری آسیب جسمی و روحی وارد آورد. حزب کمونیست کارگری ایران شدیدا این ترورها را محکوم میکند و همدردی عمیق خود را به بستگان و دوستان همه قربانیان این جنایات ضدبشری اعلام میدارد. هیچ درجه‌ای از توحش فاشیستی دولت اسرائیل علیه مردم ستمدیده فلسطین، این جنایتکاری عریان را سر سوزنی توجیه نمیکند و تخفیف نمیدهد. تروریسم اسلامی مبارزه عادلانه مردم فلسطین را به انحراف میکشد و مستقیما به توجیه ادامه اشغال و سرکوب اسرائیل خدمت میکند. این ترورها بخشی از پروژه جریانات اسلامی برای تولید و بازتولید نفرت و دشمنی خونین و بی پایان قومی و مذهبی است و حاصل آن فقط میتواند تداوم بی انتهای جنگ و گرفتن هرروزه جان و امنیت مردم در فلسطین و اسرائیل باشد. گروههای تروریست اسلامی باید بدون هیچ اما و اگری در زمره جنایتکاران علیه بشریت، محکوم شناخته شوند. حزب کمونیست کارگری ایران بار دیگر تاکید میکند که سیاست فاشیستی اشغال و سرکوب و کشتار بیوقفه مردم فلسطین توسط هیات حاکمه اسرائیل و در راس آن شارون، عامل مهمی در گسترش تروریسم اسلامی و ناامن کردن زندگی مردم اسرائیل است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ ژوئن ۲۰۰۲

حمید تقوایی دبیر کمیته مرکزی 001 647 885 2485
کوروش مدرسی رئیس دفتر سیاسی 0044 774 863 0833
اصغر کریمی 0044-771 4097928
آذر مدرسی دبیر تشکیلات خارج 00447815902237
رحمان حسین زاده-دبیر کمیته کردستان حزب:
0046-739 855 837
اسد گلچینی - دبیر تشکیلات کل کشور
0044 7940 416 768
شهلا دانشفر: دفتر مرکزی حزب 00447950517465
بهرام مدرسی -دبیر کمیته مرکزی سازمان جوانان کمونیست:
0049174 944 0201

از صفحه ۲
تعمیم به جناح راست
خرداد دیگر هر نقطه تعادلی در جمهوری اسلامی را بهم زده است. مردم سرنگونی طلب برای از جاکندن کلیت جمهوری اسلامی بحرکت در آمده اند، و همین کل اردوی ارتجاع جمهوری اسلامی را در هم ریخته است. تعظیم امروز نهضت آزادی به جناح راست هم که یکی از حالتهای تکراری و همیشگی این جریان در بازی گرفتن میان جناحهای رژیم است خدمتی به "حفظ نظام" نخواهد کرد، در عوض غرق کردن کشتی جمهوری اسلامی که مردم در تدارک آند، پرونده جماعت نهضت آزادی و امثال آنان را نیز همراه کل رژیم خواهد بست. ■

رادیو انترناسیونال را روی اینترنت بشنوید
www.radio-international.org

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

نقش جنبش سرنگونی در روند اوضاع سیاسی ایران (۲)

فاتح بهرامی



اخباری از مبارزه و اعتراض کارگری

* یکشنبه ۲۶ خرداد کارگران اخراجی و بازخریدی شرکت مخابرات ایران در مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کرده و خواهان بازگشت به کار شدند. کارگران از شهرستانهای مختلف به تهران آمده و در این تجمع شرکت کردند. کارگران میگویند که باید بکارشان بازگردانده شوند و یا امکاناتی فراهم شود که بتوانند اشتغال پیدا کنند. کارگران همگی فریاد میزنند کار کار. شرکت زنان کارگر در این تجمع چشمگیر بود. ۵ ماه پیش نیز همین کارگران در مقابل مجلس تجمع داشتند ولی این بار بر تعداد آنها افزوده شده بود. مامورین انتظامی در محل حضور داشتند و مانع بستن خیابانها توسط کارگران میشدند.

* یکشنبه ۲۶ خرداد کارگران آتش نشانی تهران نزدیک میدان حسن آباد تجمع کرده و خواهان دستمزدهای معوقه خود شدند. * جمعی از کارگران کانون بازنشستگان راه آهن در اعتراض به عدم افزایش حقوقهایشان و همچنین عدم یکسان سازی حقوق بازنشستگان، در مقابل مجلس اسلامی تجمع کردند. کارگران خواهان رسیدگی به خواستههایشان شدند.

از سایت روزنه دیدن کنید!

در سایت روزنه میتوانید نشریات و اطلاعاتی های سازمان های سیاسی، مقالات متعددی از شخصیت های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و گزیده ای از مطالب نشریات چاپ ایران را مطالعه کنید. مطالب، اطلاعاتی ها و نظراتان را برای روزنه بفرستید.

www.rowzane.com
rowzane@yahoo.com

آدرس و شماره حساب انترناسیونال هفتگی

Bank Account: Z.I. Konto: 520 5164 008
Address: BM Box 8927 London WC1N 3XX England
BLZ: 10090000
Beliner Volksbank Germany

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت

www.wpiran.org
www.wpibriefing.com
www.rowzane.com
www.hambastegi.org
www.childrenfirstinternational.org
www.jawanan.org
www.iwsolidarity.com
www.medusa2000.com
www.marxsociety.com
www.kvwpiran.org

هستند، اما تفاوت بین آنها زیاد است. از جمله نوع حکومت و جامعه مورد نظر آنها تفاوتهای جدی با هم دارد، طبقات و نیروی اجتماعی که به آن متکی هستند فرق میکنند، روشهای آنها برای کسب قدرت سیاسی تفاوت دارد و غیره. برخلاف طرفداران حکومت که عمرشان با رفتن رژیم به پایان میرسد، احزاب سرنگونی طلب علاوه بر فعالیت و تلاش فعلیشان، بازیگران صحنه سیاست بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی خواهند بود. از اینرو بدرجات مختلف و به نسبتی که کدامیک از طبقات و اقشار اجتماعی را نمایندگی میکنند، مورد توجه مردم قرار میگیرند. و بهمین دلیل هر یک تلاش میکنند و خواهند کرد که مهر خود را بر تحولات سیاسی آتی بزنند. بعنوان مثال سازمان مجاهدین خلق ایران که یک سازمان سرنگونی طلب اسلامی است، در کشوری که مردم آن دست اندر کار انداختن یک رژیم اسلامی هستند، شانس برای بقدرت رسیدن ندارد و از طرف مردمی که یک حرکت ضد مذهبی بزرگ را در ایران شروع کرده اند، مورد استقبال قرار نمیگیرد. بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی هیچ حکومتی که اثری از اسلام و مذهب در آن باشد، شانس ندارد. مثال دیگر از این غیر ممکن ها، احیای حکومت سلطنتی در ایران است. مردمی که بیست و چهار سال پیش یک حکومت سلطنتی را بزیر کشیدند و هنوز خاطره ساواک و جنایتهای آن را فراموش نکرده اند، به یک رژیم سلطنتی دیگر بعد از جمهوری اسلامی تن نمیدهند. اما ناسیونالیسم طرفدار غرب، علیرغم اینکه فعلاً سازمان معین و قدرتمندی ندارد، و کمونیسم کارگری دو جریانی هستند که در ایران بعد از جمهوری اسلامی شانس بقدرت رسیدن را دارند. از دید طبقه کارگر، زنان و جوانان که پایه های اساسی جنبش آزادیخواهی برای سرنگونی جمهوری اسلامی را تشکیل میدهند، باید خصوصیات و مولفه های نوع حکومتی که میتواند بر اساس خواستها و مطالبات این اکثریت عظیم مردم شکل بگیرد را مورد بررسی قرار داد و از این زاویه نقش و جایگاه احزاب اصلی اپوزیسیون سرنگونی طلب را نگاه کرد.

ادامه دارد ■

که بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی بتوانند دوباره با همان شناسنامه و آدمهای شناخته شده قبلی دست به فعالیت در صحنه سیاسی ایران بزنند. برخی از اینها همراه پاسداران و آخوندها فرار میکنند که به چنگ مردم نیفتند. بقیه شان هم آنچه از مردم دریافت کنند ابراز تنفر شدید است، تنفر مردمی که اکنون از حاکمیت کثیف اسلام خلاص شده اند و اینها را بعنوان کسانی و سازمانهایی که سالها کارشان علیه مردم شریف آن جامعه آبرو خریدن برای جمهوری اسلامی و کمک به آن بوده است تا دوره سیاه حکومت اسلامی را درازتر کنند. اگر گام اول برای دستیابی به یک زندگی در خور انسان فقط از کاتال بزیر کشیدن حکومت اسلامی میگردد، آنگاه کل تلاش و فعالیت این دلان سیاسی در کنار نیروی سرکوب و توحش رژیم در داخل ایران، معنی اش برای مردم این است که این احزاب طرفدار رژیم مقابل مردم گارد گرفته اند؛ گارد در مقابل تلاش آنها برای رهایی از دست رژیم اسلامی، گارد مقابل ابتدائی ترین خواستههای رفاهی و اجتماعی مردم محروم، گارد مقابل تلاش برای آزادی و رهایی زن از چنگال سنت و قوانین زن سیتز، گارد مقابل تلاش طبقه کارگری که این رژیم جنایتکار به فلاکتش کشانده است. در یک کلام، از نظر آن اکثریت عظیم سرنگونی طلب جامعه ایران فعالیت این جریانها طرفدار رژیم بسادگی و روشنی بمعنی بخشی از حرکت خود حکومت اسلامی است که میخواهد طبقه کارگر، زنان، جوانان و مردم معترض و حق طلب آن جامعه را همچنان اسیر یکی از ارتجاعی ترین و وحشی ترین حکومت های تاریخ نگهدارد. قطعاً مردم از این جریانها نمیکنند. خود شیرینی و عنتر بازی اینها برای رژیم اسلامی، ضربه زدن به مبارزه مردم برای آزادی است.

در بخش اول این نوشته در شماره قبل اشاره کردم که مولفه های اساسی در اوضاع سیاسی ایران را بدون توجه به نقش جنبش سرنگونی رژیم اسلامی بدرستی نمیتوان توضیح داد. زیرا اکثریت عظیم مردم ایران زندگی تحت حاکمیت جمهوری اسلامی را از هر جنبه و لحاظی با موجودیت خود بعنوان انسان در تناقض میبینند و تا جمهوری اسلامی بر سر کار باشد گریزی از این وضعیت ندارند. علاوه بر این به تاثیر جنبش سرنگونی روی آرایشهای سیاسی درون حاکمیت اشاره شد که اساساً خود را در جدال جناحهای رژیم اسلامی بر سر پاسخ به مساله "نقای نظام" نشان میدهند. یک وجه دیگر از مولفه های اساسی اوضاع سیاسی، اپوزیسیون جمهوری اسلامی است که در اینجا به آن میپردازم.

۳- اگر از جریانها سیاسی موجود احزاب دولتی و در قدرت را کنار بگذاریم، در میان احزاب اپوزیسیون و در خارج حکومت یک طیف اپوزیسیون سرنگونی طلب و مخالف جمهوری اسلامی است و طیف دیگر احزاب طرفدار جمهوری اسلامی. از آنجا که اپوزیسیون طرفدار رژیم معمولاً از طریق طرفداری از یک جناح حکومت کارش را انجام میدهد، هر نوع تغییر و تحول در صفوف آنها و در مواضعشان اساساً تابع تحولات و فعل و انفعالات درون جناحهای حکومت اسلامی است. گروه دوم، اپوزیسیون طرفدار رژیم اسلامی، حیات سیاسی و آینده شان مستقیماً به حیات و آینده جمهوری اسلامی گره خورده است. "اپوزیسیون" بودن عناصر این طیف فقط باین دلیل است که جمهوری اسلامی بعد از بی نیاز شدن به خدمات ارزنده آنها و در متن جنگ و جدالهای جناحهای داخل حکومت آنها را از خود راند. پس از دو خرداد این طیف دوباره جان گرفت و مجدداً هست و نیستش را برای کمک به جمهوری اسلامی به خدمت گرفت. سازمانهایی مانند فدائی اکثریت و حزب توده که از نمونه های شاخص این طیف متنوع هستند، زمانی یکی از شغلهای سیاسی شان شناسائی و لو دادن انقلابیون و کمونیستها بود. موقعیت و وضعیت این سازمانها طوری نیست